

شرکت ایرانیان در انقلاب اکتبر

مهاجرت توده‌ی عظیم دهقانان و پیشه‌وران ایرانی ساقط از هستی به روسیه از همان اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم آغاز شده بود. در طی سال‌های متوالی، ده‌ها هزار نفر از مرز ایران و روسیه رد می‌شدند. در برخی از سال‌ها، تعداد مهاجرین ایرانی از دویست هزار نیز می‌گذشت.

کارگران ایرانی به مناسبت تسلیم در برابر شرایط تحمیلی صاحبان مؤسسات صنعتی فعالیت‌سندیکا‌های محلی را بسیار دشوار کردند. بلشویک‌ها برای فعالیت در میان کارگران محلی نسبت به کارگران مهاجر ایرانی توجه خاصی داشتند. به این مناسبت، در سال ۱۹۰۵، در شهر باکو، در کنار سازمان سوسیال‌دمکرات «همت» که در میان ساکنان محلی مسلمان تبلیغ می‌کرد حوزه سوسیال‌دمکرات ایران به نام «اجتماعیون عامیون» (مجاهد) سازمان یافت.

بدین ترتیب سنت پابرجای مبارزه مشترک انقلابی ملت‌های ایران و روسیه پایه‌گذاری شد. اگرچه در سال‌های عقب‌نشینی موقت انقلاب نخستین گروه‌های سوسیالیستی ایرانی تقریباً متوقف شد، ولی شرایط عینی ادامه مبارزه و فعالیت آنان به قوت خود باقی ماند. کار مداوم سیاسی و سازمان‌دهی بلشویک‌ها باکو، و عناصر پیش‌روی ایرانی در میان کارگران مهاجر به تدریج به ثمر می‌رسید.

در سال های جنگ اول جهانی، تعداد اعتصابات که کارگران ایرانی در آن ها با خواست های مشخص خود شرکت می کردند، افزایش یافت. تنها در ماه مه ۱۹۱۴، «باربران» ایرانی بندر، همراه کارگران دستگاه های حفاری دو بار دست به اعتصاب زدند. در این دو اعتصاب بیش از ۲۰۰۰ نفر شرکت داشتند، اعتصاب کنندگان خواست های خود را در مقابل پیمان کاران مطرح کردند. افزایش مزد و بهبود شرایط مسکن و معاش از جمله خواست های مطروحه بود.

در سال ۱۹۱۶ در باکو، کارگران ایرانی، با شرکت مستقیم بلشویک های محلی، سازمان سوسیال دموکرات عدالت را تشکیل دادند. «عدالت» که در آغاز یک گروه سوسیال دموکرات بود، در کنفرانس مؤسسان که در ماه ۱۹۱۷ در شهر باکو تشکیل شد، شکل حزب به خود گرفت. این کنفرانس برنامه حزب را به تصویب رسانده، کمیته مرکزی را که آ. غفارزاده، م. لطفی- علیخانف- م. بابا و دیگران بودند، انتخاب کرد. آ. غفارزاده که به دبیری حزب انتخاب شده بود، در عین حال سردبیری روزنامه هفتگی ارگان حزب را به نام عدالت به عهده داشت. این روزنامه به زبان های فارسی و آذربایجانی منتشر می شد.

در باکو و حوالی آن حوزه های حزبی و میتینگ ها و تظاهرات سازمان داده می شد. فعالیت حزبی در دو جهت انجام می گرفت:

۱) بسیج مهاجران ایرانی برای مبارزه به خاطر استقرار حکومت شوروی در آذربایجان

۲) بسط و توسعه تهییج و تبلیغ در ایران.

فعالیت «حزب عدالت» در باکو در رابطه نزدیک با کمیته حزب کمونیست روسیه (بلشویک) در شهر باکو انجام می گرفت. سازمان باکوی حزب کمونیست روسیه (بلشویک) و «عدالت» و «همت» در واقع سازمان واحدی بودند که، به خاطر فعالیت در میان زحمت کشان ملیت های مختلف، ظاهراً به شکل سازمان های جداگانه عمل می کردند. این سازمان ها تحت رهبری بلاواسطه دفتر (پورو) باکوی کمیته حزب

کمونیست روسیه (بلشویک) ناحیه قفقاز فعالیت می کردند. کمیته مذکور، به فاصله زمان های معین، درباره اشکال و روش های فعالیت سازمان های «همت» و «عدالت» بحث کرده و نظر می داد.

پس از انقلاب فوریه، علاوه بر حزب عدالت، دو سازمان سیاسی دیگر - «حزب دمکرات ایران» و «حزب استقلال ایران» - نیز در باکو فعالیت می کردند. تجار، مغازه داران، کارکنان کنسول گری های ایران، در باکو، پتروسکف، در بند، و شهرهای ماورای قفقاز عضو این سازمان ها بودند. حتا گرگانی، نویسنده ایرانی که دارای گرایش های بورژوازی است، می نویسد: در مقایسه با این دو حزب ضعیف که عده قلیلی عضو داشتند، حزب عدالت موقعیت ممتاز و برجسته ای داشت.

تفاوت طبقاتی در میان مهاجرین ایرانی به طور وضوح مشاهده می شد. مبارزه گروه های سیاسی، در بسیاری از موارد، به برخوردهای مسلحانه، و به قتل فعالین «حزب عدالت» به دست ضد انقلابیون می انجامید. مثلاً این خبر به امضای آ. یوسوف، عضو کمیته موقت انقلابی، در روزنامه باکو چاپ شد: "در شب بین ۴ و ۵ فوریه در دو راهی قیشلی، قربان صادق زاده عضو کمیته محلی حزب سوسیال دمکرات ایران (عدالت) به طور وحشیانه ای به قتل رسید. قتل رفیق مان به دست مرتجعین با تصمیم اخیر شورای کارگران مهاجر ایرانی (رفیق صادق زاده یکی از فعالین این شورا بود) درباره نحوه کار کنسول گری ها را - که تنها به امور تجار محکرم پرداخته و به سرنوشت کارگران و گذشته شدن صدها تن از آنان بی اعتنا می باشد - به یک هیئت ۳۸ نفری منتخب شورا واگذار کند. ما از همه اتباع ایرانی دعوت می کنیم که، طبق تصمیم کمیته انقلابی موقت، برای احترام به خاطره این رفیق که در حین ماموریت جان خود را از دست داده است دست از کار بکشند. ای ستم دیدگان، ای دوست داران آزادی و برابری، تا بدین وسیله به همه دشمنان جنایت کار و

قاتل ملت ثابت شود که هیچ نیروی قادر نیست حرکت آزادی بخش مردم را متوقف کند."

سازمان های «حزب عدالت»، تحت رهبری حزب کمونیست روسیه (بلشویک)، در تمامی اقدامات سیاسی بلشویک ها شرکت می جستند. ا. ای میکویان می نویسد: "از همان سال ۱۹۱۸ آقایی (یکی از رهبران «عدالت»، و.پ.) و سازمان های او با ما همکاری داشتند".

در ۲۷ ژوئیه ۱۹۱۸، هنگامی که نیروهای ترکیه به باکو حمله ور شدند، «حزب عدالت» و کمیته مرکزی «همت» تصمیم گرفتند که اعضا خود را در گروه های مسلح کارگری برای دفاع از شهر بسیج کنند.

پس از تسخیر شهر به وسیله نیروهای اشغالگر، بیش از نیمی از اعضای کمیته مرکزی «عدالت» توقیف و به قتل رسیدند. رئیس حزب، غفارزاده، که کمیته مرکزی او را برای سازمان دادن و برقراری ارتباط با چریک ها به گیلان فرستاده بود، توسط ضدانقلابیون به قتل رسید.

پس از آن که در آغاز نوامبر ۱۹۱۸، نیروهای ترکیه مناطق آذربایجان را تخلیه کردند، باکو در تاریخ ۱۷ نوامبر توسط نیروهای انگلیسی اشغال شد. دولت ارتجاعی آذربایجان، که قوای انگلستان را به باکو فرا خوانده بود سعی داشت تا به هر وسیله از فعالیت سازمان های بلشویکی جلوگیری کند. اما کمیته حزب کمونیست روسیه (بلشویک)، «همت» و «عدالت» مخفیانه به فعالیت خود ادامه می دادند.

در ماه مارس ۱۹۱۹، هنگامی که مساواتی ها در باکو حکومت می کردند، کنفرانس «عدالت» مخفیانه در شهر باکو برقرار شد و کمیته مرکزی جدیدی را انتخاب کرد. در تشکیل این کنفرانس فعالیت، که از درون مهاجرین برخاسته بودند نقش بسیار مهمی ایفا کردند، آ. ای. میکویان می نویسد: "از رهبران عدالت من سه نفر از کارگران با استعداد را به خوبی به یاد دارم (مقصود برادران

آقازاده هستند، و پ). این برادران با آن که دارای تحصیلات نبودند، به طور طبیعی خواص رهبران قابل را داشتند. آنان از تجربه سیاسی برخوردار و با تمام وجود به کمونیزم وفادار و باید بگوییم که با تعصب بیش از اندازه به افکار حزب پای بند بودند. آنان در تمام جلسات شرکت می جستند. و با کمونیست ها همکاری می کردند."

رهبران «عدالت» در کنفرانس حزب کمونیست آذربایجان که در ماه مارس ۱۹۱۹ در باکو برگزار شد، شرکت جستند. در ملاقات نمایندگان بلشویک باکو (کمیته ح. ک. ر. «بلشویک» «همت» و «عدالت») بهرام آقازاده سخن رانی کرد. او خطاب به نمایندگان گفت که کارگران ایرانی از تمامی اقدامات کمیته بلشویک حمایت کرده و با کارگران روس و ارمنی خواهند بود.

در همین موقع رابطه حزب «عدالت» با انترناسیونال کمونیست برقرار شد. حسین اوف، نماینده حزب کمونیست ایران (بخش مرکزی ملل شرق)، در نخستین کنگره کمینترن شرکت جست.

در جریان سال ۱۹۱۹، فعالیت حزب «عدالت» با بلشویک ها از نزدیک همکاری داشتند. در جلسه ی کنفرانس کارگری باکو در ۴ مه ۱۹۱۹ تشکیل شد آقازاده به عضویت هیئت مدیره کنفرانس انتخاب شد. او پس از چند روز همراه گروه کمونیست های مسلح به صفوف ارتش سرخ مغان پیوست. این گروه بعدها به تصمیم کمیته مرکزی حزب «عدالت»، مأمور شد که برای کمک به جنبش چریکی که به رهبری کوچک خان انکشاف یافته شده بود به گیلان برود ولی در ژوئیه ۱۹۱۹ جمهوری مغان سرکوب شد و تنها عده قلیلی از کمونیست های ایران موفق شدند که به باکو باز گردند.

در نخستین کنگره حزب کمونیست آذربایجان، که در روزهای ۱۱ و ۱۲ فوریه ۱۹۲۰ برقرار شد، ده نماینده از حزب «عدالت» شرکت داشتند. کامران آقازاده (یکی از برادران آقازاده) به عضویت حزب کمونیست آذربایجان (بلشویک) انتخاب شد.

کنگره درباره یکی شدن و ورود همه سازمان های کمونیستی آذربایجان به حزب کمونیست آذربایجان (بلشویک) تصمیم گرفت. اما حزب «عدالت»، به ویژه حوزه های پائین آن، تا اواسط سال ۱۹۲۰، هم چون سازمان های مستقل کمونیست های ایران باقی ماند.

عده ای از کمونیست های ایرانی، هنگام اشغال باکو توسط نیروهای ترکیه، همراه بلشویک ها به آستراخان رفتند. بنا به تصمیم این سازمان «حوزه کمونیست های ایرانی» مرکب از ۱۸ نفر تشکیل شد. اعضا «عدالت» در فعالیت های تبلیغاتی و تهییجی شرکت می جستند، و به عنوان مبلغ به دایره های سیاسی ارتش سرخ- که در آن انترناسیونالیست های ایرانی بودند- فرستاده می شدند.

در تاریخ ۲ ژانویه ۱۹۱۹، «نخستین کنگره اتباع و اسیران جنگی ترکیه» برای به وجود آوردن حوزه کمونیستی (ترکیه) تشکیل شد. در این کنگره ۱۴ تن از نمایندگان کمونیست های ایران و قفقاز شرکت جستند. در دومین جلسه کنگره به پیشنهاد نریمان نریمانوف تصمیم گرفته شد که برای تشکیل کلاس های تبلیغ و بسیج و انتشار روزنامه ارگان اسرای ترک با همکاری حوزه ایرانیان اقدام شود- این کلاس ها می بایست مبلغین ترک و ایرانی را آماده سازد که نخست به قفقاز و سپس به ترکیه و ایران فرستاده شوند. کمونیست های ایرانی به پخش افکار مارکسیستی در میان زحمت کشان ترکیه نیز کمک می کردند. کمیته «عدالت»، در ژانویه ۱۹۲۰، سلطان زاده، علی خائف، و فتح علی زاده را که از فعالین آن سازمان بودند، به تاشکند فرستاد. اینان پس از تشکیل کمیته تشکیلاتی «عدالت»، به تبلیغ و بسیج ایرانیان مهاجر در ترکستان مشغول شدند. در ۳۰ ژانویه ۱۹۲۰، کمیته تشکیلاتی، بیانیه «حزب کمونیست ایران»، (عدالت) را خطاب به زحمت کشان ایران منتشر کرد. در بیانیه گفته شده بود: *حزب کمونیست ایران (عدالت) پرچم مبارزه قاطعانه علیه همه دشمنان زحمت کشان ایران را برافراشته است- انقلاب اکتبر روسیه امکانات و افق تازه ای را در برابر ما*

گشوده است. حزب کمونیست ایران، با کمک کارگران و دهقانان روس که دوستان واقعی زحمت کشان ایران هستند، با دشمنان زحمت کشان تا آخرین قطره خون مبارزه خواهد کرد. رفقای کارگر و دهقان ایران، برای آزادی توده های ستم کش و اسیر ایران از دست ستم گران خارجی، زیر پرچم مبارزه ی انقلابی متحد شوید. مرگ بر غارت گران خارجی، زنده باد ایران آزاد، زنده باد حزب کمونیست ایران (عدالت).

در سال های ۱۹۲۰-۱۹۱۹ در سازمان دادن و آماده کردن کادرهای حزبی حیدر عمواغلی (تاری و ردیف)، انقلابی حرفه ای ایران، نقش بسیار مهمی داشت. ترکستان که از هینت اجرائیه شوروی تشکیل شده بود، نماینده داشت، عالی ترین مرجع شورای بین المللی تبلیغات پلنوم بود و حزب عدالت در آن دو نماینده داشت. حزب، جلسات، میتینگ ها، سخن رانی، و کنفرانس هائی تشکیل می داد و نمایندگان خود را به سمرقند، عشق آباد، مرکوشک، کراسنودسک، و شهرهای دیگر می فرستاد تا عناصر پیشرو مهاجرین را به حزب جلب کنند.

نخستین کنفرانس ایالتی حزب «عدالت»، به نمایندگی از طرف ۵۶۳۰ عضو حزب، در تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۲۰ تشکیل شد. و نین به ریاست افتخاری این کنفرانس انتخاب شد. کنفرانس درباره گزارش سلطان زاده زیر عنوان «دولت شاه و دورنمای انقلاب اجتماعی در ایران» در باره مسأله ی جنگ و گزارش علی خانوف «تاکتیک ما در ایران» بحث کرده، تزه های مربوطه را به تصویب رساند. در تزهائی که از گزارش علی خانوف تصویب شد، وضع اجتماعی و اقتصادی ایران به طور خلاصه تشریح شده، به ویژگی های فعالیت حزبی در میان مردم اشاره شده بود. از جمله، کنفرانس مسأله عضویت افراد را مطرح و مقرر کرد که پذیرش افراد باید با هوشیاری بیش تری به کار رود، تا از عضویت افرادی که ممکن است با خط مشی سیاسی میانه روی خود خط مشی قاطعانه حزب را متزلزل کنند جلوگیری شود. کنفرانس هم چنین تأکید کرد که برعکس کشورهای پیشرفته سرمایه داری که طبقه

کارگر آن متشکل بوده است و بنابر این احزاب کمونیست قادرند مستقل عمل نمایند، «حزب عدالت» باید، در شرایط ایران، تمام کسانی را که به خاطر وضع اقتصادی خود در براندازی الیگارشی اربابی (مالکین بزرگ) ذینفع می باشند به سوی خود جلب کند.

در تازها آمده بود که حزب باید در مبارزه علیه اشغال انگلستان و استبداد شاه از همه عناصر چپ ایران (تا زمانی که فعالیت آنان با منافع کارگران و دهقانان تضاد پیدا نکرده، به آنان مدد برساند. در این تز به این نکته که از چگونه عناصری باید استفاده شود اشاره مشخص نشده است. از تقسیم بورژوازی به بورژوازی ملی طرف دار استقلال و بورژوازی کمپرادور که در تحکیم امپریالیسم بیگانه در کشور است سخنی نیست. تأکید بر این مسأله که ایران دارای تعداد زیادی کارگران پرولتری صاحب سطح آگاهی نسبتاً بالایی است نیز اشتباه بود. چنین به نظر می رسد که نویسندگان تازها، بیش تر مهاجرین ایرانی در نظر داشتند. هم چنین مسأله پراهمیت درجه انکشاف اجتماعی- اقتصادی و وضعیت سیاسی ایران که با روسیه کاملاً متفاوت بود در نظر گرفته نشده بود. تجربه ای که از روسیه به دست آمده بود نمی توانست کورکورانه در ایران نیمه فئودال (کذا) به اجرا در آید. یکی از روزنامه های تاشکند درباره او نوشت: نماینده کمونیست های ایران، عضو انترناسیونال سوم و شورای مسکو، شخصی که در محافل سیاسی به رجب بمبی، معروف است، و در انقلاب مشروطه ایران سال های ۱۹۱۱-۱۹۰۸ و سرنگونی شاه نقش مهمی ایفا کرده، در حال حاضر در تاشکند است.

رجب بمبی در مسجد ایرانیان سخن رانی خود به اهمیت حکومت شوروی در مبارزه برای احقاق حقوق ستم دیدگان اشاره کرده، از مردم خواست که برای کمک به حکومت شوروی و آزادی کارگران و دهقانان ایرانی به مبارزه بر خیزند. سخن گو حضار را به عضویت در حزب «عدالت»- بیان کننده اراده

زحمت کشان ایران- فراخواند. پس از سخن رانی حیدر، ۴۵ نفر در حزب نام نویسی کردند.

سازمان «عدالت»، که در آذربایجان شمالی و ترکستان فعالیت داشت، تا ژوئن ۱۹۲۰، در رابطه نزدیک با سازمان های محلی حزب کمونیست روسیه (بلشویک) کار می کرد. به افراد فعال حزب «عدالت»، که در کردستان فعالیت می کردند، دستور داده شده بود که در تمام مسائل مربوط به فعالیت حزبی اساس نامه حزب کمونیست روسیه (بلشویک) را ملاک عمل خود قرار دهند.

در این سند قویاً توصیه شده بود که باید همه کوشش ممکن به کار رود تا فعالیت حزبی در یگانگی کامل با سازمان های محلی حزب کمونیست روسیه انجام گیرد. زیرا بین «سازمان عدالت» و حزب کمونیست روسیه اختلاف اساسی یا برنامه ای نمی تواند وجود داشته باشد و ندارد. اعضای عدالت بایست در جلسات محلی حزب کمونیست روسیه (بلشویک) و اقدامات آن- که توسط سازمان های دولتی و حزبی شوروی انجام می شد- شرکت جویند.

یکی از ویژگی های سال های ۱۹۲۰-۱۹۱۹، پیدایش تعداد زیادی شوراهای اتباع ایرانی است. این شوراها ایرانیان را در مقیاس شهرها متحد می ساخت. چنین شوراهایی در تاشکند، اورنبورگ، سمرقند، مسکو، و ساراتف وجود داشت.

رهبری شورای ترکستان را تجار ایرانی در دست گرفته بودند. کمیته ایالتی «عدالت» از کمیسیون ترکستان خواست که شوراهای اتباع ایرانی در ترکستان بسته شود. زیرا این شوراها نه تنها برای کارگران کاری انجام نمی دهند بلکه در دست بورژواهای ایرانی به آلت سوءاستفاده و پیش برد سیاست آنگلو فیل در میان کارگران تبدیل شده است.

اما بخش از شوراهای زیر نفوذ کمونیست‌های ایرانی بود. کمونیست‌ها فقیرترین اقشار مهاجر ایرانی را در این شهرها متحد کرده، در داخل شوراهای حوزه‌های کمونیستی به وجود می‌آوردند.

کمونیست‌های ایران با دفتر (پورو) مرکزی سازمان‌های کمونیست‌های مشرق که در دسامبر ۱۹۱۸ در مسکو تشکیل شده بود فعالانه همکاری می‌کردند.

این دفتر توانست، در مدت کوتاهی (ژانویه ۱۹۱۹ - دسامبر ۱۹۱۸)، به کمک کمونیست‌های ایران تعداد زیادی بیاتیه و جزوه برای پخش در ایران و در میان مهاجرین نشر دهد. خطاب به زحمت‌کشان مسلمان روسیه و شرق به زبان فارسی در بیش از صد هزار نسخه منتشر شد در ماه‌های بعد، جزوه‌های: الغای صلح پرست، تزار، کشیش، و کولاک قانون اساسی جمهوری فدراتیو سوسیالیستی شوروی روسیه به زبان فارسی منتشر شدند. دفتر مرکزی تعداد زیادی بیاتیه و جزوه نیز به زبان آذربایجانی منتشر کرد. اعضای «عدالت» جزوه خطاب به جوانان زحمتکش مشرق را به زبان فارسی نشر دادند.

در سال ۱۹۱۹، در مسکو علاوه بر «سازمان کمونیست عدالت»، حوزه «حزب اجتماعیون عامیون» (سوسیال‌دمکرات) نیز به رهبری حیدرخان فعالیت می‌کرد. اعضا این سازمان در تاریخ ۱۰ آوریل ۱۹۱۹، با شرکت نمایندگان گروه‌های کمونیست سامارا، آستراخان، و کارگران راه آهن بریانسک و نمایندگان انترناسیونالیست‌های ایرانی در ارتش سرخ و نمایندگان شورای اتباع ایران در مسکو میتیگی بر پا داشتند، حیدرخان، در سخن رانی خود، حمله به نمایندگی شوروی را - شدیداً محکوم کرد. او اعلام داشت که ایرانیان مقیم روسیه شوروی از هر دسته‌ای که باشند (سوسیالیست یا بورژوا)، در برابر این عمل نمی‌توانند سکوت اختیار کنند. او گفت: روسیه شوروی تنها امید ایرانیان نشان داده است که آزادی، زندگی نو و رهائی از زنجیرهای غارت‌گران خارجی را برای شرق به ارمغان می‌آورد.

در پایان میتینگ به پیشنهاد حیدرخان قطع نامه آماده شده از طرف حوزه حزب «اجتماعیون عامیون» به تصویب رسید. در این قطعنامه آمده است که: ایرانیان مقیم روسیه شوروی را چنان مرکزی می دانند که ایرانیان، صرف نظر از اختلافات مسلکی، باید در مبارزه خود علیه ستم گران خارجی و داخلی از آن سرمشق و نیرو بگیرند، و به همین مناسبت، ایرانیان را صرف نظر از تعلق به طبقات و احزاب مختلف، به شرکت و مبارزه دعوت می کنند، مبارزه ای که سازمان های انقلابی در داخل ایران، با وجود ترور آغاز کرده اند.

لازم به تذکر است که حزب «اجتماعیون عامیون» هم از زمان انقلاب مشروطه ۱۹۱۱-۱۹۰۵، از تاکتیک ترور فردی به مقیاس وسیع استفاده می کرد. حیدرخان در سخن رانی خود از فعالیت «کمپته مجازات»، که در سال ۱۹۱۸ در مدت ۱۸ روز عملیات تروریستی متعددی را علیه محافل ارتجاعی ایران انجام داده بود، پشتیبانی کرد. حیدرخان گفت که این سازمان ارگان اجرایی «حزب اجتماعیون عامیون» بود. موضع حیدرخان در این مسأله قانع کننده به نظر نمی آید.

حوزه های کمونیست های ایرانی در شهرهای «اودسا»، «کیف»، «رستف»، «روی دن» و «ولادی قفقاز» وجود داشت. در فوریه ۱۹۱۹، تحت نظر کمیته مرکزی حزب کمونیست «اوکراین»، گروه مسلمان «همت» در آن منطقه مستقر شد. این گروه میان کارگران ایرانی و آذربایجانی معادن زغال سنگ تبلیغ و فعالیت می کرد.

در سال ۱۹۲۰، دفتر (پورو) مرکزی سازمان های کمونیستی ملل شرق و دفتر جلب کارگران مهاجر به شهرهای «خارکف»، «پلتاو»، «رمنای»، «کرمچوک»، «آرماویر»، «گروزی»، «عشق آباد»، «پتروگراد»، «مسکو»، و دیگر شهرها فرستادند.

گروه های مسلح انترناسیونالیست های کارگران مهاجر ایرانی در جنگ های ترکستان قفقاز، سواحل ولگا و روسیه مرکزی که به خاطر استقرار حکومت

شوروی درگیر می شد. فعالانه شرکت می جستند. «قلیق اوغلی» کارگر ایرانی عضو حزب کمونیست روسیه (بلشویک) - به هنگام شورش ضدانقلابیون در «کوکند»، از کارگران فقیر شهر گروه مسلحی تشکیل داد و مدت ۱۶ روز از قلعه آن شهر دفاع کرد. گروهی از کمونیست های ایرانی به رهبری «بهرام آقازاده» (عضو کمیته مرکزی «عدالت») در گروه مسلح معروف به «گروه پولادین» در ماوراء قفقاز علیه «دنکین» می جنگید. گروه انترناسیونالیستی ایرانیان و گروه سوار نظام ایرانیان در جبهه ترکستان بر ضد اشغال گران انگلیسی و باسچی ها می جنگیدند.

حیدرخان در نامه ۱۲ فوریه ۱۹۲۰ به دفتر (پورو) مرکزی سازمان های کمونیستی ملل شرق نوشته است که او هنگام اقامتش در «سامارا» با «فرونزه» درباره تشکیل هنگ ایرانیان در ترکستان صحبت کرده بود. این هنگ می بایست به قسمت های منظم ارتش سرخ در مبارزه با اشغال گران و ضدانقلاب مدد برساند. بنا بر گفته ی حیدرخان «فرونزه» با تشکیل گروه های انترناسیونالیستی ایرانیان موافقت کامل نشان داده بود.

در تاریخ ۲۵ آوریل ۱۹۲۰، بنا بر دستور شماره ۱۸۷ جبهه ترکستان، گروه مسلح انترناسیونالیست های ایران تشکیل شد. «هدایت امین بیگی»، دبیر حوزه حزب کمونیست ایران و شرکت کننده در انقلاب کبیر اکتبر در پتروگراد، در جنگ با گاردهای سفید در «آسترخان» با قهرمانی جان سپرد. کمیته ایالتی حزب کمونیست روسیه (بلشویک) در قفقاز، به مناسبت خدمات ویژه امین بیگی، به انقلاب تصمیم گرفت که برای خانواده او مستمری مقرر شود.

بدین ترتیب عناصر پیش روی پرولتاریای ایران در روسیه سهم خود را در دفاع از دست آوردهای اکتبر ادا کرده، طی این سال ها، به کمک برادران طبقاتی روس خود، سازمان سیاسی طبقاتی ویژه خویش، یعنی، حزب کمونیست ایران (عدالت) را به

وجود آوردند. این حزب در مبارزه آزادی بخش ملی سال های ۱۹۲۰-۱۹۲۱ نقش مهمی را بازی کرد.

توده های کارگران مهاجر و آگاه ترین عناصر طبقه کارگر ایران، که تازه در حال شکل گرفتن بود، بعدها هسته های گروه مسلح جنبش آزادی بخش ملی را، که در سال های ۱۹۲۰-۱۹۲۱ در گیلان تکامل یافت، تشکیل دادند. کارگران مهاجر، داوطلبانه کار خود را در کارخانجات روسیه رها کرده، گروه های مسلح تشکیل دادند و برای آزادی وطن اسیر خود به جنبش گیلان پیوستند.

و. ن. پلاستون

منبع: نشریه کارگر سوسیالیست شماره ۴۴ مهر ماه ۱۳۷۶ صفحه ۱۶

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM Kargar, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴